



مرکز بررسی‌های استراتژیک
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES

نیمه پر لیوان موازنه، اطمینان بخشی و اراده مجدد در رابطه استراتژیک ایالات متحده-چین

مؤسسه بروکینگز

از مجموعه مقالات چین
جلد اول:
استراتژی‌های آینده چین

ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک



پیرامون پروژه نظم از آشوب^۱

در طول دو دهه‌ای که از پایان جنگ سرد می‌گذرد، شاهد جهانی بوده‌ایم که در آن جنگ کاهش و رفاه افزایش یافته است. فقدان رقابت ژئوپولیتیکی جدی، فرصت‌هایی برای رشد وابستگی متقابل و همکاری جهانی فراهم نموده است. با این حال، در سالیان اخیر، چالش‌های متعدد و بالقوه اساسی برای نظم جدید به وجود آمده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به: فروپاشی نظم و درغلتیدن به دامان خشونت در خاورمیانه، چالش روسیه برای نظم امنیتی اروپا و تنش رو به رشد ژئوپولیتیکی در آسیا، اشاره کرد. در این برهه حساس، رهبری ایالات متحده واجد اهمیتی حیاتی است و وظایف پیش روی آن مبرم و پیچیده‌اند. رئیس‌جمهور آتی ایالات متحده نیازمند همسازی و حمایت از نظم بین‌المللی لیبرال به‌عنوان ابزار تداوم ثبات و رفاه جهانی؛ گسترش استراتژی که همکاری و نه رقابت را در میان قدرت‌های حاضر تشویق کند؛ و در صورت لزوم، مهار یا محدود ساختن بازیگرانی که به دنبال تضعیف این اهداف هستند، می‌باشد.

در پاسخ به این پویایی جهان در حال تغییر، برنامه سیاست خارجی اندیشکده بروکینگز، پروژه نظم از آشوب را پی‌ریزی نموده است. برنامه سیاست خارجی و کارشناسان و پژوهشگرانش، با تحلیل‌های هوشمندانه، استراتژی‌های جدید، و سیاست‌های مبتکرانه، پروژه‌ای دو ساله با سه هدف بنیادی را آغاز کرده است:

- تجزیه و تحلیل پویایی‌های نظام بین‌الملل که در حال ایجاد فشارها، چالش‌ها و فروپاشی نظم هستند.

- تعریف منافع ایالات متحده در این عصر جدید و گسترش استراتژی‌های ویژه برای ترویج و احیای نظم بین‌المللی لیبرال قانون‌مدارانه.
- ارائه توصیه‌های سیاسی در مورد چگونگی رشد و گسترش ابزارهای ضروری کشورداری (نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و اجتماعی) و چگونگی بازطراحی معماری نظام بین‌الملل. پروژه نظم از آشوب در راستای مشارکت و تأثیرگذاری در مناظرات و مباحثات سیاسی ایالات متحده در جریان انتخابات ۲۰۱۶ و سرکار آمدن رئیس‌جمهور آتی کوشش نموده است.

مؤسسه بروکینگز اذعان می‌دارد که ارج نهادن به تک‌تک حامیان در گروه تعهد مطلق به کیفیت، استقلال و اثرگذاری است. این مؤسسه، فعالیت‌های مورد حمایت پشتیبانان مالی اش را در این تعهد منعکس می‌کند و تحلیل‌ها و توصیه‌های پژوهش‌گران این اندیشکده تحت تأثیر هیچ کمک مالی نیست.

مقدمه

چگونه می‌توان روابط امنیتی ایالات متحده - چین را در دوره باراک اوباما جمع‌بندی کرد؟ با توجه به مرکزیت این روابط در آینده منطقه شرق آسیا و در حقیقت جهان، و نیز تأکیدی که اوباما به حق بر این مسئله داشت، پرداختن به این پرسش را واجد جایگاه و اهمیتی بنیادی در تاریخ می‌سازد.

در دوره نخست ریاست جمهوری اوباما، دولت او سیاست چرخش یا موازنه مجدد را در منطقه آسیا - اقیانوس آرام، نه تنها از نظر امنیتی بلکه به لحاظ موضوعات کلان اقتصادی و سیاسی طرح‌ریزی نمود. در طول این دوره ریاست جمهوری، بدون تردید چین بر اساس برخی شاخص‌ها به جایگاه ابرقدرتی نزدیک شد: از جمله تولید ناخالص داخلی که برحسب برابری قدرت خرید، تقریباً معادل آمریکا و بر اساس نرخ ارز استاندارد در حدود دو سوم آن است. در حال حاضر، بودجه نظامی جمهوری خلق چین به وضوح پس از آمریکا جایگاه دوم را در جهان دارا است و این کشور از منابع اضافی برای کارآمدی و مدرن‌سازی نیروهای مسلحش که به‌طور فزاینده‌ای صاحب فن‌آوری پیشرفته شده، استفاده نموده است. چین در قله تولید جهان با اختلاف قابل توجهی از سایر کشورها قرار دارد و همچنین بودجه تحقیقات بومی و فعالیت‌های مربوط به توسعه را افزایش داده است - در عین حال، باید خاطر نشان کرد که به اخذ مالکیت معنوی دیگر کشورها در مقیاس عظیمی تداوم بخشیده است. اکنون رهبری شی جین‌پینگ ریشه‌دار و تثبیت شده است و چین با اعتماد به نفسی چشمگیر در عرصه جهانی قدم گذاشته است.

استراتژی موازنه مجدد اوباما، اغلب تحولات در روابط ایالات متحده - چین را در طول پنج سال گذشته تعیین کرده است. این استراتژی عموماً در میان آمریکایی‌ها از هر دو حزب و نیز در بین متحدان آمریکا در آسیا مورد استقبال واقع شد. به نظر می‌رسد که این استراتژی، یا حداقل اصول اساسی آن، به احتمال زیاد در سال‌های پیش رو نیز پایدار و ماندنی باشد.^۲

2. See for example, Kathleen Hicks and Michael J. Green, "Revving up the Rebalance to Asia," Center for Strategic and International Studies, Washington, D.C., January 26, 2016, available at <https://www.csis.org/analysis/revving-rebalance-asia>; and Scott W. Harold, "Is the Pivot Doomed? The Resilience of America's Strategic 'Rebalance,'" *The Washington Quarterly* 37, no. 4 (Winter 2015), pp. 85-99. On the antecedents of the rebalance in the Bush administration, see Nina Silove, "The Pivot before the Pivot: U.S. Strategy to Preserve the Power Balance in Asia," *International Security* 40, no. 4 (Spring 2016), pp. 45-88.

با این حال، منطق موازنه مجدد هر چه باشد، همه چیز در روابط ایالات متحده - چین خوب نیست. بسیاری آمریکایی‌ها، چین را به عنوان کشوری می‌بینند که در دریای جنوبی چین و دریای چین شرقی بدل به تهدید شده است - و به ویژه این کشور جاه‌طلبی‌های گسترده‌تر و بیشتری را شروع کرده و اینک امپراطوری قدیمی^۳ آن در قالب جمهوری خلق چین سربرآورده است. بسیاری از چینی‌ها، آمریکا را کشوری می‌بینند که سرسختانه به دنبال استیلا بر جهان است و مهم‌تر از همه، به همراه متحدانش همانند ژاپن در پی هژمونی منطقه‌ای است. و هنگامی که ایالات متحده از چرخش یا موازنه مجدد صحبت می‌کند، بسیاری از چینی‌ها آن را «مهار» می‌شنوند و تلقی می‌کنند که قرار است این امر به هزینه کشورشان انجام شود. عوامل دیگری نیز می‌توانند آب به آسیاب این معضل بریزند.

برای نمونه، فعالیت‌های هسته‌ای تحریک‌آمیز کره شمالی، از جمله دو آزمایش هسته‌ای اخیرش، مخاطرات دیگری است که می‌تواند هم بر چین و هم بر ایالات متحده تأثیر بگذارد - و تفاوت مهم در رویکردهای مورد نظر آنها به امنیت منطقه‌ای را برجسته می‌کند.

در این مقاله، که بر اساس کتابی است که من افتخار همکاری نوشتن آن را با جیمز استینبرگ^۴، معاون سابق وزیر امور خارجه، در سال ۲۰۱۴ داشته‌ام، می‌کوشم ارزیابی ویژه‌ای از روابط امنیتی ایالات متحده - چین در بستر موازنه مجدد انجام دهم و دستور کارهایی که من و استینبرگ در آن کتاب ارائه دادیم را مورد سنجش قرار دهم.^۵ در پژوهش حاضر، تمرکز مستقیماً بر روی مسائل و موضوعات امنیتی است. این مقاله بر کانون‌های بحران منطقه‌ای و احتمالات ممکن و همچنین بر الگوهای تعامل عملیاتی، اقدامات اعتمادساز، سازوکارهای ارتباط و تعامل متمرکز است. امسال من مقاله طولانی دیگری نیز در این مورد نوشته‌ام که برآمده از پژوهش حاضر است و در آن به طیف گسترده‌تری از موضوعات امنیتی پرداخته‌ام و البته مجدداً به نتایج مشابهی دست یافته‌ام.

دستور کاری که من و استینبرگ ارائه دادیم، البته که برآمده از ایده‌های دیگران و نیز اهداف سیاسی موجود ایالات متحده بود، اما ما همچنین به دنبال بسط و توسعه آنها برآمدیم و این اهداف و ایده‌ها را در یک کل منسجم جمع نمودیم. هدف ما - همان‌طور که از عنوان

۳. در متن واژه Middle Kingdom آمده که به معنای پادشاهی میانه است. «پادشاهی میانه»، اسم قدیمی چین است و معنایش «مرکز جهان» است، و به باور چینی‌ها عالی‌ترین شکل تمدن است.

4. James Steinberg

5. James Steinberg and Michael E. O'Hanlon, Strategic Reassurance and Resolve: U.S.-China Relations in the Twenty-First Century. Princeton, NJ: Princeton University Press, 2014.

کتاب پیداست «اطمینان بخشی استراتژیک و اراده مجدد»، نشان دادن راه‌هایی بود که پکن و واشنگتن بتوانند روابط و رقابت خود را از طریق ابزارهای مکمل اطمینان بخشی و اراده مجدد مدیریت کنند.

بحث اصلی این مقاله این است: روابط امنیتی ایالات متحده - چین در حال پیشرفت است و روندهای اخیر متغیر است. با این حال، چالش‌هایی که در روابط ایالات متحده - چین وجود دارد، به نسبت چندان وخیم و بد نیستند، به نسبت آنچه که تاریخ ممکن است به ما در مورد چگونگی تا کردن یک قدرت در حال ظهور و یک قدرت تثبیت شده بگوید. این حرفی برای دل خوش کردن نیست. بلکه یادآوری به سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران و عموم مردم دو کشور است که در مقابل دلخوری‌ها و ناراحتی‌های جزئی نباید شدت عمل به خرج داد یا چشم‌انداز تاریخی که روابط امروز بر آن استوار شده است را نادیده بگیرند. این دو کشور تا حدی دوست و نیز تا حدی رقیب هستند. مطمئناً روابط این دو کشور برای سال‌ها، اگر نگوئیم دهه‌ها، پیچیده خواهد بود. با این حال، این مسئله را می‌توان به خوبی مدیریت کرد و می‌توان آن را به گونه‌ای پیش برد که ثبات عمومی حفظ شود - به شرطی که هر دو طرف و بازیگران کلیدی منطقه مانند ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، استرالیا و تایوان تلاش‌های لازم را انجام دهند. در زمانی که صداهایی در هر دو کشور - و خصوصاً در جریان انتخابات ریاست جمهوری امسال ایالات متحده - گاهی اوقات از سیاست رویارویی یا مواجهه بیشتر دم می‌زنند، من می‌خواهم از آرامش و احتیاط بیشتر سخن بگویم. بدون شک، اگر من درست بگویم که روابط امنیتی ایالات متحده - چین را باید در عرصه تجربی به نسبت قابل قبولی دید، ادامه روند اخیر موجب می‌شود که هر کشور به‌طور روزافزونی نگران دیگری باشد و این مسئله سبب به وجود آمدن یک مارپیچ قهقراایی خطرناک در روابطشان شود. تصورات می‌تواند جایگزین واقعیات عینی شوند. معضل و معمای امنیت^۷ می‌تواند به‌طور فزاینده‌ای روابط را تحت تأثیر قرار دهد: ترس می‌تواند به سرعت گسترش یابد و به یک چرخه خطرناک عمل - عکس‌العمل منتهی شود. بخشی از هدف مقاله حاضر این است که در مورد خطرات ناشی از

6. Strategic Reassurance and Resolve

7. security dilemma

اصطلاحی است در روابط بین‌الملل که به موقعیتی اشاره می‌کند که در آن اقدامات یک دولت در جهت افزایش امنیت خود، از جمله افزایش قدرت نظامی و یا ایجاد اتحادهای سیاسی یا نظامی با دیگر دولت‌ها، می‌تواند به اقدامات مشابهی از سوی دیگر دولت‌ها به عنوان پاسخ منجر شود. این امر در نتیجه منجر به تولید و افزایش تنش‌ها و همچنین ایجاد درگیری، خواهد شد؛ در حالی که هیچ یک از دولت‌ها واقعاً خواستار آن نبوده‌اند.

چنین برداشت‌های منفی و بالقوه بی‌اساسی هشدار دهد، بدون آنکه بر روی مشکلات واقعی میان پکن و واشنگتن که نیازمند توجه جدی است، سرپوش بگذارد.

برنامه‌ریزی احتمالی^۸

چهار مکان اصلی وجود دارد که ایالات متحده و چین نیاز دارند تا در مقابل کنش و واکنش‌های بالقوه خطرناک نیروهای نظامی‌شان، آمادگی داشته باشند. این اماکن عبارتند از: شبه‌جزیره کره، اطراف تایوان، آب‌های دریای چین شرقی و منطقه عمومی دریای جنوبی چین. به غیر از خطوط ارتباطی در دریای جنوبی چین که ایالات متحده آن را به عنوان منافع حیاتی آمریکا در نظر می‌گیرد، در سایر موارد، نقش ایالات متحده در احتمالات شرق آسیا، به طور محتمل، از دفاع از یک دوست یا متحد منطقه‌ای که ممکن است در معرض خطر قرار بگیرد، ناشی می‌شود.

ابتدا کره را در نظر بگیرید. نسبت به سه مورد دیگری که بیان کردیم، در شبه‌جزیره کره احتمال در گرفتن جنگ شاید کمتر باشد، اما با این حال، شعله‌های تنش به راحتی می‌تواند زبانه بکشد. رفتار کره شمالی در سال ۲۰۱۶ احتمال درگیری یا دست کم بحران جدی را بسیار افزایش داده است.

وضعیت بسیار نگران‌کننده‌تر از آن است که بسیاری فکر می‌کنند. شاید این انتظار وجود داشته باشد که پکن و واشنگتن در شبه‌جزیره کره منافع مشترکی، از جمله حفظ ثبات، جلوگیری از رفتار افراط‌گرایانه (از جمله اشاعهٔ تسلیحات هسته‌ای از سوی پیونگ‌یانگ) و حفظ روابط حسنه‌شان با کره جنوبی دارند؛ اما این تلاقی ظاهری منافع این واقعیت را تحت‌الشعاع خود قرار نمی‌دهد که پکن و واشنگتن برای این منافع مختلف، اهمیت نسبی متفاوتی قائل هستند و پکن بیشتر بر حفظ ثبات تأکید دارد تا منع اشاعهٔ تسلیحات (یا اصلاحات داخلی کره شمالی).^۹ شاهد مدعا آنکه چین، پس از هر آزمایش هسته‌ای موفق کره شمالی در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳ و دو مرتبه در سال ۲۰۱۶، با اکراه از تحریم‌ها حمایت کرده و آن‌ها را اجرایی نموده است.

8. Contingency Planning

برنامه‌ریزی احتمالی یا اقتضایی، به منظور آمادگی برای رخدادهای خارج از انتظار است.

9. See for example, Andrew Scobell, "The PLA Role in China's DPRK Policy," in Phillip C. Saunders and Andrew Scobell, eds., *PLA Influence on China's National Security Policymaking*. (Stanford, California: Stanford University Press, 2015), pp. 198-217.

اینکه پکن در عمل تحریم‌های متعاقب آزمایش‌های هسته‌ای سال ۲۰۱۶ که تجارت مواد معدنی و دیگر اقلام اساسی را شامل می‌شود تا چه اندازه به‌طور جدی اجرا خواهد کرد، مسأله‌ای است که هنوز نمی‌توان درباره آن قضاوتی کرد.^{۱۰}

اگر بحران یا جنگی در بگیرد، این واقعیت که پکن و واشنگتن با دو کره متفاوت متحد هستند، خطر بسیار بزرگی را متوجه وضعیت می‌سازد. خلاصه کلام، ایالات متحده و چین می‌توانند به سرعت خود را بر لبه پرتگاه جنگ مستقیم با یکدیگر بیابند. حتی اگر جمهوری خلق چین هم تصمیم بگیرد که تحت شرایطی خاص (علی‌الخصوص در پرتو روابط نه چندان خوب دو کشور در حال حاضر) از کره شمالی دفاع نکند، ممکن است نیروهای خود را به شمالی‌ترین بخش شبه‌جزیره ببرد تا در صورت بروز حادثه، سیل پناهندگان را مدیریت کرده و مانع جابجایی تسلیحات کشتار جمعی به قلمرو چین شود. بسته به سناریو، ممکن است نیروهایی را هم به شبه‌جزیره گسیل کند تا برای مذاکرات پس از جنگ در مورد اینکه آیا نیروهای ایالات متحده در کره خواهند ماند یا نه و شاید حتی حفظ شکلی از باقی‌مانده کره شمالی به عنوان نوعی دولت حائل^{۱۱} دائمی، اهرم فشار ایجاد کند.^{۱۲} این مسئله که کره شمالی زرادخانه هسته‌ای در اختیار دارد نیز می‌تواند به افزایش این احتمال بیانجامد که با هر گونه منازعه و درگیری اتحاد دوباره شبه‌جزیره تحت حاکمیت سئول/ کره جنوبی متوقف شود.^{۱۳}

بنا به دلایل این چنینی بود که من و استیون برگ از برخی تمهیدات ایالات متحده - چین در ارتباط با کره حمایت کردیم. برخی از این تمهیدات شامل نحوه برنامه‌ریزی برای یک جنگ احتمالی می‌شدند؛ حتی اگر این جنگ هم هرگز پیش نیاید، نفس برنامه‌ریزی می‌تواند تأثیرات اطمینان‌بخش مؤثری داشته باشد. شمار دیگری از تمهیدات، نحوه تصمیم‌گیری و حل‌جایی درباره حضور نیروهای ایالات متحده در شبه‌جزیره پس از اتحاد دوباره را در بر

10. Andrea Berger, "From Paper to Practice: The Significance of New UN Sanctions on North Korea," *Arms Control Today* 46, no. 4, May 2016, pp. 8-16.

11. buffer state

12. Thomas Woodrow, "The PLA and Cross-Border Contingencies in North Korea and Burma," in Andrew Scobell, Arthur S. Ding, Phillip C. Saunders, and Scott W. Harold, eds., *The People's Liberation Army and Contingency Planning in China* (Washington, D.C. National Defense University Press, 2015), pp. 205-223; and Gordon G. Chang, "China and the Korean Peninsula: Why the Problems?" *International Journal of Korean Studies* 19, no. 1, Spring/Summer 2015, pp. 97-125.

13. See Van Jackson, Testimony before the House Committee on Foreign Affairs, Subcommittee on Asia and the Pacific, February 26, 2015, available at <https://foreignaffairs.house.gov/hearing/subcommittee-hearing-across-the-other-pond-u-s-opportunities-and-challenges-in-the-asia-pacific>.

می‌گرفتند. در نهایت این تصمیم بر عهده کره جنوبی خواهد بود که آیا در چنین وضعیتی پذیرای نیروهای خارجی در قلمرو خود خواهد بود یا نه، اما واشنگتن و سئول می‌توانند اکنون به یکدیگر اطمینان خاطر دهند که هرگونه حضور نظامی ایالات متحده، دامنه‌ای محدود داشته و در نزدیکی یا پایین مدار ۳۸ درجه^{۱۴} باقی می‌ماند. ایالات متحده و چین نیز می‌توانند در راستای ترغیب کره شمالی به رفتاری مطلوب‌تر، برنامه اقدام همکاری جویانه بهتری تدوین نمایند. این رویکرد می‌تواند برخی تمهیدات را شامل شده و همچنین رغبت و اشتیاق چین به اعمال تحریم‌های سختگیرانه‌تر در صورت اقدامات تحریک‌آمیز بیشتر کره شمالی (مانند آزمایش‌های هسته‌ای یا موشکی دوربرد، اقدامات تروریستی و تولید بیشتر مواد شکاف‌پذیر^{۱۵}) را به همراه داشته باشد.

همچنین به نظر می‌رسد که اگر مسأله بسیار مهم برنامه‌ریزی مشترک ایالات متحده - چین برای پیشامدهای احتمالی کره پیشرفتی هم داشته، بسیار ناچیز و اندک باشد. باز خورد و شواهدی که گردآوری کرده‌ام، واقعه‌نگارانه^{۱۶} اما کاملاً منطقی و منسجم هستند. دلیلی نیافته‌ام که تصور کنیم مقامات چینی اساساً درباره نحوه مدیریت پیشامدهای کره با مقامات آمریکایی وارد گفتگو شده باشند و در واقع به سختی بتوان در خصوص این مسأله، تعهد یا قول چندانی از مقامات پیشین یا دانشگاهیان چینی به دست آورد.

قضیه در مورد پیشامدهای تایوان به چه صورت است؟ اینجا نگرانی و دل‌مشغولی متفاوت است. به لحاظ تاریخی، ایالات متحده از زمان به رسمیت شناخته شدن جمهوری خلق چین در دهه ۱۹۷۰ و خاتمه روابط رسمی با تایوان، تعهدی پیچیده اما هم‌چنان بسیار جدی در قبال امنیت تایوان داشته است. این تعهد در قانون روابط تایوان مصوب سال ۱۹۷۹ و رفتار آمریکا مثلاً در بحران‌های سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ نمود می‌یابد. در نهایت، ایالات متحده ظاهراً مشتاق است تا در حمایت از تایوان هر چه از دستش برمی‌آید، انجام دهد که لزوماً به معنای بازگشت به تهدیدات هسته‌ای دهه ۱۹۵۰ نیست، اما با این حال تمایل خود به دفاع از جزیره در برابر هر شکلی از حملات چین، حتی در حد تهاجم احتمالی را ابزار می‌دارد. شکستن محاصره چین را هم می‌توان در مجموعه سناریوهای احتمالی گنجانند.

14. below the 38th parallel

مدار ۳۸ درجه شمالی، دایره‌ای از عرض جغرافیایی است که در ۳۸ درجه شمالی خط استوا قرار دارد و شبه‌جزیره کره را تقریباً به دو قسمت تقسیم می‌کند و نقش حائل را میان دو کشور دارد.

15 fissile material

16. Anecdotal

عبارت است از توصیف یک تجربه قابل توجه که برای پژوهشگر یا یک فرد متخصص رخ داده است.

امروزه، این مأموریت‌های نظامی محتمل، خصوصاً علیه محاصره یا دیگر اقدامات نظامی محدود، بسیار پیچیده تر شده‌اند. قابلیت‌های پیشرفته موشکی چین، زیردریایی‌های بی صدا و هواپیماهای پیشرفته «نسل چهارم» در صدر فهرست فن آوری‌هایی هستند که می‌توانند نیروهای ایالات متحده را در هر گونه عملیات رزمی در نزدیکی تایوان به‌طور جدی در معرض خطر قرار دهند و این خطر حتی در شرایطی که ایالات متحده - تایوان - بتواند پیروز از میدان نبرد خارج شوند نیز همچنان وجود دارد. با توجه به این مسأله، در صورت بروز جنگ، واشنگتن فشارهای اولیه برای تشدید درگیری، علی‌الخصوص حملات نظامی متعارف به تأسیسات نظامی در خاک چین مانند سکوهای پرتاب موشک، فرودگاه‌های نظامی و پایگاه‌های زیردریایی را احساس خواهد کرد. بنابراین، یک درگیری کوچک می‌تواند به سرعت و به طرز خطرناک شدت بگیرد. تاکنون پیشنهاد اقداماتی از قبیل استقرار یک خط مستقیم تلفن بین تایوان و چین مطرح شده‌اند که اگر طرفین واقعاً بخواهند، می‌تواند به تثبیت وضعیتی که برشمرديم کمک کند.^{۱۷} اما بحران‌ها می‌توانند خود به خود جان گرفته و به تشدید درگیری بیانجامند.

استینبرگ و من با وقوف به این مسأله، از رشد و گسترش پاسخ‌های نامتقارن احتمالی ایالات متحده در مقابل حملات چین به تایوان حمایت کردیم. لزومی ندارد که گزینه نظامی سنتی به‌عنوان یک اصل نادیده گرفته شود. اما در صورت وقوع جنگ، می‌توان پاسخ‌های اقتصادی (در قالب تحریم‌های سفت و سخت و تمام‌عیار) و پاسخ‌های نظامی نامتقارن (برای نمونه، فشار بر خطوط دریایی ارتباطی که چین برای واردات نفت یا ارسال کالاهای مصرفی لازم دارد) را در نظر گرفت.

اما به نظر نمی‌رسد که در حال حاضر ایالات متحده برای رشد و گسترش ایده‌های جدیدی از این دست تلاشی انجام دهد. برای نمونه، در بخش «قابلیت‌های دفاعی تایوان» در گزارش سالانه وزارت دفاع به‌کنگره در سال ۲۰۱۶، هیچ تمهید و ابتکاری برای همکاری ایالات متحده و تایوان در مفاهیم دفاعی جدید ذکر نشده است. نقش تعریف شده آمریکا در امنیت دو سوی تنگه ۱۸ متوجه فروش تسلیحات و دیپلماسی است.^{۱۹} موضع‌گیری در یادار هری هریس^{۲۰}،

17. Austin Ramzy, "Leaders of China and Taiwan Talk of Peace Across the Strait," New York Times, November 7, 2015, available at <http://nyti.ms/1kAcCfy>.

18. Cross-straight

این اصطلاح به روابط بین جمهوری خلق چین و تایوان اطلاق می‌شود که به واسطه تنگه تایوان از هم جدا شده‌اند.

19. Department of Defense, "Military and Security Developments Involving the People's Republic of China," p. 91; see also, on this point, Nien-chung Liao and Dalton Kuen-da Lin, "Rebalancing Taiwan-U.S. Relations," Survival 57, no. 6, December 2015-January 2016, pp. 145-158.

20. Admiral Harry Harris

فرمانده عملیات نظامی در مقرر فرماندهی اقیانوس آرام^{۲۱}، در اوایل سال ۲۰۱۶ تا حدی بی‌پرده و صریح نشان می‌دهد که «این مقرر، به انجام تعهدات ایالات متحده در چارچوب قانون روابط با تایوان^{۲۲} ادامه خواهد داد». سپس این گزارش در چند خط به بحث فروش تسلیحات می‌پردازد و قسمت مربوط به تایوان یکی از کوتاه‌ترین بخش‌ها در کل گزارش، پیرامون هر کشور یا شریکی در منطقه است.^{۲۳}

روشن است که کسی انتظار ندارد طرح‌های طبقه‌بندی شده نظامی در اسناد علنی قید شوند، اما در یک سند رسمی حکومت ایالات متحده یا جاهای دیگر هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که از شیوه تفکر جدیدی در مورد رویکردهای ترکیبی و یکپارچه برای مدیریت وضعیت‌های احتمالی بحران حکایت داشته باشد. شاید در دوران ریاست جمهوری ماینگ جیو^{۲۴} در تایوان، اکثر احزاب - از جمله حتی حزب ارتش آزادی‌بخش خلق^{۲۵} و وزارت دفاع - آن‌قدر بر بهبود روابط با چین (با وجود اختلاف نظرات گاه و بی‌گاه در ارتباط با فروش تسلیحات) متمرکز شده بودند که هیچ کس متوجه لزوم تجدید نظر در وضعیت موجود برنامه‌ریزی نظامی نشد.^{۲۶} شاید این مسأله قابل درک و از برخی جهات حتی مطلوب باشد، جز اینکه در این دوران قابلیت‌های نظامی چین به هیچ وجه ثابت نمانده و اکنون ماینگ هم دیگر رئیس‌جمهور تایوان نیست. هرچند نمی‌توانیم از برنامه‌های کنونی نظامی ایالات متحده در مورد سناریوهای مرتبط با چین و تایوان باخبر شویم، لیکن تاریخ دلایل کافی در اختیارمان می‌گذارد که فکر کنیم تشدید سریع درگیری می‌تواند در بین گزینه‌ها باشد و دلیل آن هم تا حدی این است که به لحاظ تاریخی، چنین گزینه‌هایی احتمالاً برای ایالات متحده بسیار مؤثر و کارآمد بوده‌اند. اما روزگار در حال تغییر است. بی‌شک همکاری امنیتی ایالات متحده - تایوان شاهد تغییرات آرام بیشتری

21. combatant commander at Pacific Command (USPACOM)

22. Taiwan Relations Act

قانون روابط با تایوان تضمین می‌کند که ایالات متحده در برابر هرگونه حمله نظامی به تایوان (مشخصاً توسط چین) از آن حمایت خواهد کرد و متعهد می‌شود که در راستای این هدف، به تدارک تسلیحاتی دولت تایوان ادامه دهد.

23. Statement of Admiral Harry B. Harris Jr., U.S. Navy, Commander, U.S. Pacific Command, before the Senate Armed Services Committee, on U.S. Pacific Command Posture, February 23, 2016, available at http://www.armed-services.senate.gov/imo/media/doc/Harris_02-23-16.pdf.

24. Ma Ying-jeou

25. People's Liberation Army

26. See for example, Bonnie S. Glaser, "The PLA Role in China's Taiwan Policymaking," in Saunders and Scobell, eds., PLA Influence on China's National Security Policymaking, pp. 190-191; and Jeffrey A. Bader, Obama and China's Rise: An Insider's Account of America's Asia Strategy (Washington, D.C.: Brookings, 2012), p. 77.

است.^{۲۷} اما حتی اگر در مجاری خصوصی ایالات متحده - تایوان، برنامه ریزی متنوع تری هم در حال بسط و تکوین باشند، عموم جامعه استراتژیک آمریکایی و اکثر سیاستمداران این تحولات را بررسی یا ملکه ذهن خود نکرده‌اند. به این ترتیب، حمایت از آن‌ها در یک بحران می‌تواند کمبودها و نارسایی‌ها را نشان دهد و کنترل فشارها برای تشدید درگیری ممکن است به لحاظ سیاسی کاری دشوار باشد.

مشکل فراتر از وزارت دفاع است. حکومت ایالات متحده هنوز هیچ تلاش اساسی در این راستا انجام نداده است که در صورت بروز درگیری، چگونه از تحریم‌ها به‌عنوان بخشی از یک ترکیب گسترده‌تر ابزارها استفاده کند. جنگ هنوز به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های وزارت دفاع تلقی می‌شود که به بهترین شکلی که می‌توان از خارج این نهاد فهمید، با استفاده از ابزار کلاسیک پی گرفته می‌شود. علاوه بر این، به بهترین شکلی که می‌توان نتیجه گرفت، حوادث چین یکی از مسئولیت‌های ستاد فرماندهی اقیانوس آرام باقی می‌ماند. با این حال، منطق بالا از این حکایت دارد که این حوادث باید خارج از ستاد مشترک در واشنگتن هماهنگ شود، به‌نحوی که فرماندهی مرکزی^{۲۸} به‌طور کامل درگیر آن شود (زیرا سازمانی است که به خوبی می‌تواند در هر عملیاتی جهت محدود ساختن استفاده از خطوط دریایی ارتباطی به داخل و خارج از خلیج فارس، ورود کند). بی‌گمان، در صورت وقوع بحران، می‌توان از طریق شورای امنیت ملی، بلافاصله پاسخی محتاطانه و چندجانبه را طرح‌ریزی و تدوین نمود. گرچه درست فکر کردن درباره برخی گزینه‌های بدیل و تنش‌زدا از قبل بسیار عاقلانه و سنجیده به نظر می‌رسد.

قبل از اینکه به تنش‌ها در مناطق جنوبی‌تر پردازیم، به‌طور مختصر توضیحاتی پیرامون دریای چین شرقی و علی‌الخصوص مناقشه جزایر سن کاکو/دیائو^{۲۹} ارائه می‌دهیم. این جزیره متشکل از هشت قطعه زمین خالی از سکنه و تقریباً غیرقابل سکونت است (تنها یکی از این

27. Richard C. Bush, *Uncharted Strait: The Future of China-Taiwan Relations* (Washington, D.C.: Brookings, 2013).

28. Central Command

29. Senkaku/Diaoyu islands

مالکیت بر این جزایر، همواره باعث تنش در روابط چین و ژاپن و روابط تایوان و ژاپن بوده‌است. چین و تایوان مدعی هستند که این جزایر از لحاظ تاریخی به آنان تعلق دارد و بحث مالکیت مجمع‌الجزایر پس از اشغال شدن شان از سوی ارتش امپراتوری ژاپن در سال ۱۸۹۴ شروع شده‌است. دولت ژاپن در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۸۹۵ با تایید کابینه، جزایر فاقد سکنه سن کاکو را رسماً به خاک ژاپن الحاق کرد. از آن زمان، جزایر سن کاکو به‌طور پیوسته به‌عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از جزایر نانسی شو تو در قلمروی سرزمینی ژاپن باقی‌مانده است.

قطعات بزرگ‌تر از یک کیلومتر مربع است)، اما در روابط ژاپن-چین بی‌نهایت بحث‌انگیز و مورد اختلاف بوده است، چرا که این دو کشور مرتباً بحث‌های تاریخی را زنده کرده و دوباره در مناقشات قدیمی می‌دمند. چین بر مبنای تاریخ باستان قرن‌ها پیش خود ادعای مالکیت جزایر را دارد و همان‌گونه که در پایین به آن اشاره می‌کنیم، این دایعه با مبنای ادعاهای این کشور در خصوص قسمت عمده‌ای از دریای چین جنوبی تفاوتی ندارد؛ چین از سال ۱۹۹۲ به صورت دیپلماتیک و از سال ۲۰۰۸ با گشت‌زنی کشتی‌هایش بر ادعاهای خود تأکید کرده است. ژاپن این ادعاهای تاریخ باستان چین را زیر سوال می‌برد و از سال ۱۸۹۵ به بعد بر این جزایر حکومت کرده است. پس از جنگ جهانی دوم نیز ژاپن مالکیت جزایر را حفظ کرد و ایالات متحده نیز، حتی اگر همچنان هم در خصوص مالکیت این جزایر موضع نگیرد، عملاً با این امر موافق بود. ژاپن بین تایوان که در سال ۱۸۹۵ آن را تصرف کرد اما پس از سال ۱۹۴۵ مجبور شد به چین بازگرداند و جزایر سن‌کاکو/دیانویی که ادعا می‌کند تاریخی کاملاً مجزا و متفاوت دارند، تمایز قائل می‌شود.^{۳۰} اما در واقع، کل این تاریخ هنوز هم برای چین بسیار دردناک است. پکن می‌خواهد تمام مالکیت سرزمینی ژاپن را طوری نشان دهد که این اراضی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به عنوان گرایش تهاجمی نامشروع در سیاست این کشور و محصول آن به دست آمده‌اند، گرایشی که در نهایت باعث تجاوز ژاپن به خود سرزمین چین شد.

مناقشه سن‌کاکو/دیانو در حوالی سال ۲۰۱۰ تشدید شد. در آن زمان، یک قایق ماهیگیری چینی در نزدیکی این جزایر با دو کشتی گارد ساحلی ژاپن تصادف کرد. این امر منجر به بازداشت ناخدای قایق چینی و جار و جنجال دیپلماتیک طولانی بین دو کشور شد که وضع تحریم‌های اقتصادی چین علیه ژاپن برای چند وقت نیز در این راستا بود (خصوصاً محدودیت صادرات فلزات خاکی کمیاب چین به ژاپن که برای تولید برخی از کالاها حیاتی هستند).^{۳۱} سپس در سال ۲۰۱۲، دولت ژاپن برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن روابط با چین، در صورت خرید این جزایر مورد مناقشه از سوی شهردار ملی‌گرای افراطی توکیو، خود سه جزیره

30. Ministry of Foreign Affairs, Government of Japan, "Senkaku Islands," Tokyo, April 13, 2016, available at http://www.mofa.go.jp/region/asia-paci/senkaku/qa_1010.html#q11.

31. "Boat Collisions Spark Japan-China Diplomatic Row," BBC News, September 8, 2010, available at <http://www.bbc.com/news/world-asia-pacific-11225522>; and "How Uninhabited Islands Soured China-Japan Ties," BBC News, November 10, 2014, available at <http://www.bbc.com/news/world-asia-pacific-11341139>.

سن کاکو/دیائو را از مالک خصوصی ژاپنی آن خرید. متأسفانه چین این اقدام را تحریک آمیز تلقی کرد و گشت‌های نظامی خود را افزایش داد که گاهاً در حوالی جزیره تالبه پرتگاه جنگ پیش می‌رفتند.

در آوریل ۲۰۱۴ باراک اوباما در صدد تثبیت وضعیت برآمد و اعلام کرد، با اینکه ایالات متحده هیچ موضعی در قبال مالکیت این جزایر ندارد، صرفاً به دلیل اینکه در حال حاضر ژاپن بر این جزایر حکومت می‌کند، پیمان ایالات متحده ژاپن و بند ۷ تعهد امنیتی در مورد این جزایر را به موعده اجرا می‌گذارد.^{۳۲} بازدارنگی، دست کم موقتاً، تقویت شد و به نظر می‌رسید که وضعیت تثبیت شده باشد. به عبارت دیگر، ایالات متحده قاطعانه رفتار کرد، همان‌طور که من و استینبرگ بیان کردیم، این رفتار یکی از عناصر تعیین کننده سیاست منسجم آمریکا در قبال منطقه است. با همه این احوال، به گفته فرمانده نیروهای دفاعی ژاپن، چین همچنان با هوایما و کشتی‌ها خود، از جمله کشتی‌های گشت ساحلی و قایق‌های ماهیگیری وارد آب‌های سرزمینی این جزایر می‌شود و از جمله در تابستان سال ۲۰۱۶، افزایش گاه و بی‌گاه تحرکات وجود داشته است. در واقع، در ژوئن سال ۲۰۱۶، چین برای نخستین بار یک ناو جنگی به آب‌های این جزایر اعزام کرد و در ۶ آگوست همان سال، علی‌الظاهر نزدیک به ۲۳۰ قایق ماهیگیری چینی در حوالی این جزایر حرکت کرده‌اند.^{۳۳} بنابراین، این مسأله حل نشده و کماکان خطرناک است. در واقع، شاید تاحدی در پاسخ به این شرایط، ژاپن اکنون افزایش مختصر اما قابل توجه قابلیت‌های نظامی خود در منطقه‌ای وسیع تر را لحاظ می‌کند.^{۳۴}

با حرکت به دریای جنوبی چین، وضعیت از این هم پویاتر و پیچیده‌تر می‌شود و رفتار اخیر چین بیش از پیش نگرانی ایالات متحده و چند کشور دیگر را برانگیخته است. با این حال، به تعبیری دیگر، هیچ دلیلی برای قطع امید وجود ندارد.^{۳۵}

32. The White House, "Joint Press Conference with President Obama and Prime Minister Abe of Japan," Tokyo, Japan, April 24, 2014, available at <https://www.whitehouse.gov/the-pressoffice/2014/04/24/joint-press-conference-president-obama-and-prime-minister-abe-japan>.

33. Mitsuru Obe, "Japan Presses China on Vessels Sailing Near Disputed Islands," Wall Street Journal, August 24, 2016, available at www.wsj.com/articles/japan-presses-china-on-vessels-sailing-near-disputed-islands-1472039715.

34. Motoko Rich, "Japanese Government Urges Another Increase in Military Spending," New York Times, August 30, 2016, available at <http://nyti.ms/2bZ57yJ>.

35. For a related view, see Jeffrey Bader, Kenneth Lieberthal, and Michael McDevitt, "Keeping the South China Sea in Perspective," Brookings Institution, Washington, D.C., August 2014, available at <http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2014/08/south-china-sea-perspectivebader-lieberthal-mcdevitt/south-china-sea-perspective-bader-lieberthal-mcdevitt.pdf>.

تا به امروز، همه طرفین در منطقه برای استفاده از نیروی نظامی و اقدامات خشونت‌آمیز احتیاط کرده و از آن اجتناب نموده‌اند. آنها استفاده از خطوط کشتیرانی را مختل نکرده‌اند؛ و ادعاهای سرزمینی یکدیگر در دریای جنوبی چین را به مسیر خشونت‌آمیز سوق نداده‌اند. همچنین بین ایالات متحده و چین کانال‌های ارتباطی متعددی وجود دارد که مرتباً مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ دیدارهای مقامات نظامی، مشاوران امنیت ملی مانند سوزان رایس^{۳۶}، وزیر امور خارجه و دفاع و شخص رؤسای جمهور که معمولاً گفتگوهای طولانی را در برمی‌گیرد و حتی هنگامی که راه کارهای حل منازعه مبهم و دست‌نیافتنی هستند، از محورهای مستقیم بحث فراتر رفته و در جستجوی میزانی از درک متقابل و کاهش منازعات برمی‌آیند.^{۳۷}

تا به امروز، همه طرفین در منطقه برای استفاده از نیروی نظامی و اقدامات خشونت‌آمیز احتیاط کرده و از آن اجتناب نموده‌اند.

البته اساساً وضعیت به گونه‌ای است که چین عملاً مدعی تمام دریای جنوبی چین، از جمله خشکی‌های کوچک متعدد آن در سراسر به اصطلاح نه خط فاصله^{۳۸} تقسیم دریای جنوبی چین جنوبی است. خوشبختانه چین تلاشی واقعی برای اعمال مالکیت خود بر این آب‌راه‌ها انجام نمی‌دهد، مسأله‌ای که بی‌شک ایالات متحده با توجه به اهمیت خطوط دریایی جنوبی چین برای تجارت که حدود یک سوم یا بیشتر از تجارت جهان از طریق آن انجام می‌گیرد، آن را به عنوانی چالشی برای منافع ملی حیاتی خود تلقی خواهد کرد. چین به تحرکات نظامی آمریکا در آن اطراف معترض است، اما به طرق دیگر در صدد جلوگیری از استفاده دیگران از این آب‌ها برنیامده است. با این حال، چین تلاش کرده که تا بیشترین حد امکان کنترل خود بر بسیاری از جزایر منطقه، مشخصاً مجمع‌الجزایر اسپرتلی و پاراسل و همچنین خشکی‌های دیگری مانند سکاربورو شوال^{۳۹} در منطقه انحصاری اقتصادی^{۴۰} فیلیپین را تثبیت نماید.

36. Susan Rice

37. Comments of Stapleton Roy at the Brookings Institution, Washington, D.C., July 26, 2016, available at <http://www.brookings.edu/events/2016/07/26-us-china-russia-relations>; and David Ignatius, "In Kissinger's Footsteps, Susan Rice Steers Smooth U.S.-China Relations," Washington Post, September 1, 2016, available at https://www.washingtonpost.com/opinions/susan-rice-embraces-kissingers-approach-to-china/2016/09/01/7d440a5c-706b-11e6-9705-23e51a2f424d_story.html?utm_term=.f6ea67b2c7bd.

38. nine-dash line

محدوده‌ای است که چین به عنوان قلمرو دریایی خود در دریای چین جنوبی تعیین کرده و می‌گوید با توجه به سوابق تاریخی حضور پکن در این منطقه، تمام جزایر و آب‌های درون این محدوده تحت حاکمیت چین هستند.

39. Scarborough Shoal

40. exclusive economic zone

منطقه انحصاری اقتصادی بخشی از دریا در آن سوی آب‌های سرزمینی و منطقه مجاور آن است که حداکثر تا دو بیست مایل دریایی از ساحل ادامه پیدا می‌کند و دولت ساحلی از برخی حقوق حاکمیتی در آن برخوردار است.

رأی سال ۲۰۱۶ دیوان دائمی داوری^{۴۱} در خصوص کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل، ادعای چین را در مورد نُه خط فاصله تقسیم دریای چین جنوبی، که از جانب این کشور به عنوان ادعایی لفظی در مورد آبراه‌های آن منطقه تفسیر می‌شود، از درجه اعتبار ساقط کرد. این دادگاه همچنین بدون وارد شدن به مسأله حاکمیت ملی، تعیین کرد که هیچ یک از خشکی‌های دریای جنوبی چین واجد شرایط جزایر دارای قابلیت حیات انسانی نیستند.^{۴۲} بنابراین مطابق این رأی، هرکس که بخواهد در نهایت حق مالکیت و حاکمیت خود را به کرسی بنشاند، در بهترین حالت یک قلمروی دریایی محدود به دست خواهد آورد که تا ۱۲ مایل دریایی از خط ساحلی امتداد داشته و فاقد منطقه انحصاری اقتصادی خواهد بود. دیوان داوری مشخص کرد که صخره مرجانی موسوم به صخره شرارت^{۴۳} در منطقه انحصاری اقتصادی فیلیپین قرار دارد، یعنی که حکم به غیرقابل قبول و نامشروع بودن فعالیت‌های ساخت جزایر مصنوعی چین در آن منطقه داد.^{۴۴}

چین از پذیرش این رأی خودداری می‌کند؛ در واقع، در جریان برگزاری نشست گروه ۲۰ در سپتامبر سال ۲۰۱۶ در هانگژو به صورت تحریک آمیزی ۱۰ کشتی خود را به یک مایلی صخره شرارت فرستاد.^{۴۵} پکن حتی اگر موضع دیوان داوری را هم بپذیرد، مسئله حاکمیت نامعلوم و نگران کننده خواهند ماند. در این حین، مشخصاً در طول سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، چین نزدیک به ۵ مایل مربع سرزمین (حدود مجموع مساحت جزایر سن کاکو/دیائو) به خاک خود افزود که کلاً شامل حدود هفت جزیره‌ای می‌شود که خواهان استرداد حاکمیت آن‌ها است. سپس با موشک، رادار، فرودگاه، بندرگاه، هواپیمای نظامی و کشتی‌های نظامی یا گشتی‌های ساحلی به این خشکی‌های مصنوعی آرایش نظامی داد. در سال ۲۰۱۶، پکن به گشت‌زنی‌های منطقه‌ای در دریای جنوبی چین دست زد و آنجا یک هواپیمای شناسایی ایالات متحده را رهگیری کرد و یکی از فرماندهان ارشد خود را به جزایر اسپارتملی فرستاد.^{۴۶}

41. Permanent Court of Arbitration

42. "Award in the Matter of the South China Sea Arbitration on PCA Case 2013-19," Permanent Court of Arbitration, The Hague, the Netherlands, July 12, 2016, pp. 473-475, available at <https://pca-cpa.org/wp-content/uploads/sites/175/2016/07/PH-CN-20160712-Award.pdf>.

43. Mischief Reef

44. Presentation of Lynn Kuok at the Center for a New American Security, Washington, D.C., August 17, 2016.

45. Jane Perlez, "New Chinese Vessels Seen Near Disputed Reef in South China Sea," New York Times, September 5, 2016, available at <http://nyti.ms/2clHfSy>.

46. Michael Forsythe, "China Begins Air Patrols over Disputed Area of the South China Sea," New York Times, July 18, 2016, available at <http://nyti.ms/2abzwK7>; Gabriel Dominguez, "Chinese J-11s Intercept US Recon Aircraft over South China Sea," Jane's Defence Weekly, May 25, 2016, p. 4; and

طی دو سال گذشته ایالات متحده چندین مورد عبور و مرور آزادانه در آب‌های سرزمینی جزیره‌های مورد اختلاف در دریای چین جنوبی انجام داده است. و این کار به گونه‌ای صورت پذیرفته که آمریکا اذعان دارد که قرار است یک روز کشوری، مثل چین، حاکمیت خود را در آن استوار سازد. از این رو، آمریکا از این مناطق با سرعت و بدون انجام هیچ‌گونه مانور یا دیگر اقدامات نظامی عبور کرده و این کار را بدون بروز تبعات خطرناک انجام داده است.^{۴۷} با این همه، چین به این عبور و مرورها روی خوشی نشان نداده است، زیرا پکن خواستار اطلاع قبلی است (امری که کنوانسیون حقوق دریاها آن را الزامی نساخته است). چین ناوهای جنگی را واجد شرایط حق عبور بی‌ضرر نمی‌داند.^{۴۸} اقدامات آمریکا بین اعتمادسازی و پایداری بر سر حق عبور بی‌ضرر تعادل خوبی برقرار کرده است. این اقدامات جدیت دفاع از منافع و متحدان آمریکا را نشان می‌دهند. در اواخر سال ۲۰۱۵ و اوایل سال ۲۰۱۶، اشتون کارتر^{۴۹}، وزیر دفاع، با ناو هواپیمابر آمریکایی (و یک ناو هواپیمابر هندی) از سراسر منطقه بازدید کرد، گرچه که کشتی‌ها در محدوده ۱۲ مایل دریایی جزایر مورد مناقشه حرکت نکردند.^{۵۰} به محض اینکه چین ادعاهای جدی تری نسبت به خشکی‌های منطقه ابراز داشت، برای ایالات متحده ضرورت یافته که اجازه ندهد خطری متوجه دسترسی‌اش به منطقه شود. ضرورتی که نشان‌گر آن است که ایالات متحده نمی‌تواند نه خط فاصله تقسیم دریا را بپذیرد. در عین حال نمی‌تواند محدودیت‌ها بر حرکت و جابجایی پیرامون جزایر کوچک یا صخره‌هایی که چین بر آن‌ها ادعای مالکیت دارد را هم بپذیرد و پکن تأکید کرده که باید از دریاهای سرزمینی و

Chris Buckley, "Chinese General Visits Disputed Spratly Islands in South China Sea," New York Times, April 18, 2016, available at <http://nyti.ms/1quj8Y5>.

47. innocent-passage

بر اساس این کنوانسیون کشتی‌های کلیه کشورها؛ اعم از کشورهای ساحلی یا غیر آن، در دریای ساحلی از حق عبور و مرور بی‌ضرر بهره‌مند خواهند شد. عبور و مرور نیز تا جایی بی‌ضرر است که مخل آرامش، نظم یا امنیت کشور ساحلی نباشد؛ عبور و مرور بی‌ضرر بر طبق مقررات این قرارداد و سایر مقررات حقوق بین‌الملل صورت خواهد گرفت.

48. Three were conducted from the fall of 2015 through July of 2016, to be precise. Sam LaGrone, "United States Destroyer Passes Near Chinese Artificial Island in South China Sea Freedom of Navigation Operation," U.S. Naval Institute News, May 10, 2016, available at <https://news.usni.org/2016/05/10/u-s-destroyer-passes-near-chinese-artificial-island-in-south-china-sea-freedom-ofnavigation-operation>.

49. Ashton Carter

50. See Edward Wong, "Xi Again Defends China's Claim to South China Sea Islands," New York Times, November 7, 2015, available at <http://nyti.ms/1WEwMGS>; and Michael S. Schmidt, "In South China Sea Visit, U.S. Defense Chief Flexes Military Muscle," New York Times, April 15, 2016, available at <http://nyti.ms/20HkUSt>.

همچنین مناطق انحصاری اقتصادی مرتبط با این خشکی‌ها برخوردار باشد (در چارچوب حقوق بین‌الملل، تنها جزایر از تمام مزایای این چینی بهره‌مند می‌شوند؛ صخره‌ها دریای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی ندارند؛ جزایری که در خصوص آن‌ها ادعای مالکیت دوباره مطرح است، شامل هیچ کدام از این موارد نمی‌شوند)^{۵۱}. ایالات متحده به اشکال دیگری نیز در منطقه درگیر است. ایالات متحده که اکنون با استفاده از حدود هفت پایگاه خود در فیلیپین نیروها را جابه‌جا می‌کند (در مجموع چهار جزیره مختلف) در بهار سال ۲۰۱۶ با هواپیماهای ای ۱۰ به گشت‌زنی منطقه‌ای در نزدیکی سکاربورو شوال دست زد.^{۵۲}

همان‌طور که اشاره شد، چین نیز در دریای جنوبی گشت‌زنی منطقه‌ای انجام داده و اذعان می‌کند که هدفش عادی کردن این گشت‌زنی‌ها است.^{۵۳} همچنین در سال ۲۰۱۲، نیروهای خود را به موقعیتی هدایت کرده تا کنترل خود را بر سکاربورو شوال و به ضرر فیلیپین تثبیت کند. اما در سال‌های اخیر چین در منطقه به خشونت متوسل نشده است. به شیوه‌های دیگر هم در صدد ممانعت از حرکت کشتی‌ها یا هواپیما در منطقه، جز مناطقی که ادعای مالکیت آن‌ها را دارد، برنیامده و تا به امروز هم در دریای جنوبی چین منطقه شناسایی پدافند هوایی^{۵۴} اعلام نکرده است (متاسفانه سال ۲۰۱۳ در دریای شرقی چین منطقه شناسایی پدافند هوایی اعلام کرده، گرچه به شکل جدی تلاشی برای اعمال آن نکرده است).^{۵۵}

چین تاکنون جزایر دریای جنوبی چین را بیش از حد «نظامی» نکرده است. در سپتامبر ۲۰۱۵ شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، خطاب به باراک اوباما در واشنگتن ابراز داشت

51. Christopher Mirasota, "What Makes an Island? Land Reclamation and the South China Sea Arbitration," Center for Strategic and International Studies, July 15, 2015, available at <https://amti.csis.org/what-makes-an-island-land-reclamation-and-the-south-china-sea-arbitration>.

52. Dan Lamothe, "Why the Pugnacious A-10 is Flying Maritime Patrols over the South China Sea," Washington Post, April 27, 2016, available at <https://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2016/04/27/why-the-pugnacious-a-10-is-flying-maritime-patrols-over-the-south-china-sea>; and Patrick M. Cronin, "Sustaining the Rebalance in Southeast Asia: Challenges and Opportunities Facing the Next Administration," Papers for the Next President, Center for a New American Security, Washington, D.C., May 2016, p. 12.

53. Richard D. Fisher, Jr., "China to Conduct 'Regular Combat Air Patrols' in SCS," Jane's Defence Weekly, July 27, 2016, p. 8.

54. air defense identification zone

55. Jeffrey A. Bader, "A Framework for U.S. Policy toward China," Asia Working Group Paper No. 3, Brookings Institution, Washington, D.C., March 2016, p. 3; and Cris Larano and Jeremy Page, "Beijing Flies Bombers over Disputed South China Sea," Wall Street Journal, August 7, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/philippines-fidel-ramos-leaves-for-china-monday-for-south-china-sea-talks-1470565429>.

که «چین قصد نظامی کردن» جزایر اسپارتلی را ندارد، و همان‌طور که گفتیم به صورت جدی به این مسئله نپرداخته است.^{۵۶} با این حال، این نحوه بیان از اول هم سر بسته و دوپهلوی بود. اما شی جین پینگ آن قدر به ورطه افراط‌گرایی نیافتاده است که بخواهد در این منطقه دست به یک بسیج نظامی جدی یا رقابت تسلیحاتی بزند. به تصور من، وقتی ایالات متحده در منطقه یک ناو گروه هواپیما بر دارد، جنگ‌افزارهای نظامی چین در حال حاضر چندان قابل مقایسه با آمریکا نیستند. چینی‌ها بیشتر بر گشت ساحلی تأکید داشته‌اند تا جنگ‌افزارهای نظامی، یا اینکه از اقدامات دوپهلوی بهره جسته است (مثل ساخت آشیانه هواپیمایی که به احتمال زیاد برای هواپیمای نظامی در نظر گرفته می‌شوند و لزوماً جنگ‌افزار محسوب نمی‌شوند)^{۵۷}. بی‌گمان، وضع موجود چندان مطلوب نظر ایالات متحده نیست، وضع موجودی که ایالات متحده در دریای جنوبی چین، به استثنای نزدیکی کرانه ساحلی چین، برتری و تفوق نظامی متعارف داشته باشد. اما تا به امروز، چین هیچ تلاشی برای تثبیت سلطه نظامی آشکار در هیچ کدام از این مناطق نکرده است که تا اینجای کار از نوعی خویشتن‌داری حکایت دارد؛ و با اینکه قاطعانه به رأی جولای سال ۲۰۱۶ دیوان دائمی بین‌المللی در خصوص دریای جنوبی چین اعتراض کرده است، بعد از صدور رأی خویشتن‌داری به خرج داده و همچنان از اعلام یک منطقه شناسایی پدافند هوایی احتراز کرده و خواهان مذاکره با همه طرفین در منطقه و تداوم گفتگو با ایالات متحده است.^{۵۸}

اگر بخواهیم این پیشینه کلی را یکی از رفتارهای مطلوب چینی‌ها تلقی کنیم، زیاده‌روی کرده‌ایم. اما در مجموع امر، تعاملات ایالات متحده و چین در قبال پیشامدهای منطقه‌ای در آسیای شرقی و غرب اقیانوس آرام تا به امروز در چارچوب مؤلفه‌های ناگفته خاص ولی معنی‌دار قرار گرفته است.

در مجموع، جای تأسف دارد که در بررسی و حلاجی پیشامدهای مرتبط با کره، هیچ پیشرفت قابل توجهی وجود نداشته، اما هنوز هم دیر نشده است. وضعیت تایوان، دست کم

56. Jeremy Page, Carol E. Lee, and Gordon Lubold, "China's President Pledges No Militarization in Disputed Islands," Wall Street Journal, September 25, 2015, available at <http://www.wsj.com/articles/china-completes-runway-on-artificial-island-in-south-china-sea-1443184818>.

57. Alexander Chieh-cheng Huang, "The PLA and Near Seas Maritime Sovereignty Disputes," in Andrew Scobell, Arthur S. Ding, Phillip C. Saunders, and Scott W. Harold, eds., *The People's Liberation Army and Contingency Planning in China* (Washington, D.C.: National Defense University, 2015), pp. 290-295; and David E. Sanger and Rick Gladstone, "New Photos Cast Doubt on China's Vow Not to Militarize Disputed Islands," New York Times, August 8, 2016, available at <http://nyti.ms/2b22bAS>.

58. See David Ignatius, "Is a Bruised China Taking a Timeout?" Washington Post, July 27, 2016, p. A21.

در حال حاضر، آرام تر از یکی دو دهه پیش است. مسأله سن کاکو/دیائو فراز و نشیب داشته، گرچه در هنگام نگارش این گزارش در اواخر سال ۲۰۱۶، اندکی پرتنش تر از یکی دو سال گذشته شده است. وخامت اوضاع در دریای جنوبی چین تا حدی بدتر شده است، اما باز هم اقدامات طرفین مختلف - و مشخصاً چین - (اگر بخواهیم با مسامحه تعریف کنیم) در چارچوب محدودیت‌های بسیار جدی بر نوع رفتاری که جایز و مقبول تصور می‌شود، انجام گرفته است.

ارتباطات، شناسایی و اعتمادسازی

ورای مسائلی که در بالا به آن‌ها پرداخته شد، بسته‌ای نهایی از مسائل امنیتی وجود دارد که برای رابطه ایالات متحده - چین از اهمیت حیاتی برخوردار است. این مسائل در مجموع، دسته‌ای نسبتاً متنوع و گوناگون را تشکیل می‌دهند و با تسامح می‌توان آن‌ها را در زمره تلاش‌های اعتمادسازی، فعالیت‌های شفافیت‌بخش و اقدامات همکاری جویانه قرار داد. با این حال، همه این مسائل رضایت‌بخش نیستند، زیرا روی دیگر بسیاری از مسائل می‌تواند به بی‌اعتمادی، تخاصم یا حتی بحران بیانجامد. برای مثال، فعالیت‌های شناسایی می‌تواند به شفافیت کمک کند، اما در عین حال می‌تواند باعث تنش، بی‌اعتمادی و تقابل نزدیک و خصمانه جنگ‌افزارهای نظامی دو کشور شود. بنابراین، این دسته از موضوعات هم برای کمک به روابط دو کشور و هم ضربه زدن و به خطر انداختن این روابط حائز اهمیت است.

من و استینبرگ درباره چندین تمهید سیاستی بحث کرده‌ایم. از معاهده آسمان‌های باز^{۵۹} دفاع کرده‌ایم که الگوی توافق پیمان ناتو-ورشو در ۲۵ سال قبل را دنبال می‌کند. ما از خطوط ارتباط مستقیم بین واحدهای نظامی دو کشور حمایت کرده‌ایم؛ خواهان پروتکل‌های روشن‌تر در خصوص نحوه عملکرد نظامیان در هنگام نزدیک شدن به یکدیگر شده‌ایم؛ و جهت تلاش‌های مشترک قابل تحقق از قبیل رزمایش مشترک، کمک‌های بشردوستانه، مقابله با دزدی دریایی و مأموریت‌های حفاظت از صلح، نه تنها با ایالات متحده بلکه جامعه بین‌المللی استدلال کرده‌ایم. همچنین گفته‌ایم که ایالات متحده تا جایی که ممکن باشد باید استفاده از جنگ‌افزارهای شناسایی خود را کاهش دهد یا در خصوص نحوه کسب اطلاعات به شیوه‌های

59. The Treaty on Open Skies

معاهده آسمان‌های باز توافقنامه‌ای بین ۳۴ کشور جهان است که در خصوص اجازه پرواز هواپیماهای جاسوسی و تجسسی بر فراز مناطق کشورهای عضو این معاهده است. این معاهده جهت ایجاد درکی متقابل و اطمینان به کشورهای امضاکننده در خصوص کلیه تحرکات و فعالیت‌های نظامی که ممکن است باعث نگرانی آنها شود، ایجاد شده است. معاهده آسمان‌های باز یکی از بزرگ‌ترین تلاش‌های بین‌المللی برای هرچه شفاف‌تر کردن فعالیت‌های نظامی است.

دیگر خلاقیت به خرج دهد. در خصوص مسأله دوم و آسمان‌های آزاد هیچ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است.

با این حال، در خصوص مسائل دیگر پیشرفت‌هایی وجود داشته است. گام‌های اساسی در زیر خلاصه شده‌اند:

- در سال ۲۰۱۴، چین در جستجو برای هواپیمای گمشده ام.اچ. ۳۷۰ خطوط هوایی مالزی همکاری زیادی داشت. بسیاری از مسافران این پرواز چینی بودند و این انگیزه قدرتمندی برای پکن بود اما رویکرد همکاری جویانه آن مورد توجه و تقدیر دیگر دولت‌های منطقه مانند استرالیا قرار گرفت.^{۶۰}

- چین در افغانستان نیز عموماً نقش مثبتی داشته و به این کشور کمک‌های فراوانی نموده است. در سال‌های اخیر، یک برنامه مساعدت امنیتی محدود را به اجرا در آورده است. البته شاید انگیزه‌های آن کاملاً نوع دوستانه نباشد؛ چین در قلمرو خود درگیر مسئله افراط‌گرایی اسلامی است و در افغانستان جاه‌طلبی‌های اقتصادی دارد که به محیط امنیتی مناسب بستگی دارند. اما در اینجا نکته شایان توجه این است که چین این کمک‌ها را برای کشوری فراهم نموده که دارای روابط امنیتی جاری مستحکم با ایالات متحده و کلاً غرب است. در نتیجه، رغبت چین به همکاری قابل توجه و سازنده است.^{۶۱}

- چین به گسترش نقش خود در مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل تداوم بخشیده است. در حال حاضر نزدیک به ۳ هزار پرسنل نظامی را به ۱۰ مأموریت اعزام داشته که در نسبت با ۲۲۰۰ نفر اعزامی در سال ۲۰۱۴ روندی صعودی را نشان می‌دهد و در بین اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. چین در سال ۲۰۱۵ یک گردان ۷۰۰ نفره را به سودان جنوبی فرستاد و این اولین باری بود که چین تشکیلاتی را به‌عنوان بخشی از یک مأموریت سازمان ملل اعزام می‌کرد. بعلاوه، چین به همکاری خود در مقابله با دزدان دریایی در خلیج عدن نیز ادامه می‌دهد.^{۶۲} مجدداً، این امر از علاقه فراوان چین به ایفای نقشی سازنده در حمایت و ترویج نظم بین‌المللی حکایت دارد.

60. Department of Defense, Government of Australia, "2016 Defence White Paper," Canberra, Australia, 2016, p. 133, available at defence.gov.au/whitepaper.

61. Jessica Donati and Ehsanullah Amiri, "China Offers Afghanistan Army Expanded Military Aid," Wall Street Journal, March 9, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/china-offers-afghanistan-army-expanded-military-aid-1457517153>.

62. Department of Defense, Military and Security Developments Involving the People's Republic of China, 2016, pp. 21-22.

- چین همچنان نگران مداخلات بشر دوستانه‌ای است که گاه‌ا‌گاه کشورهای غربی به آن دست می‌زنند. با این حال، به ویژه هنگامی که رفتارهای کنونی چین را با گذشته مقایسه می‌کنیم، به‌طور مطلق یا جزئی به این مسئله نگاه نمی‌کند. برای نمونه، در رأی‌گیری سال ۲۰۱۱ شورای امنیت سازمان ملل برای اعطای مجوز استفاده از نیروی نظامی برای حفاظت از شهروندان لیبی، چین رأی ممتنع داد و هر چند منتقد نقش ناتو در کمک به سرنگونی معمر قذافی بود، اما در مقایسه با روسیه جار و جنجال بسیار کمتری به‌راه انداخت. علاوه بر این، با توجه به اینکه قدرت‌های غربی مشخصاً دوران پس از قذافی در لیبی را به خوبی مدیریت نکردند، بی‌تردید دلیلی منطقی در این خصوص داشته است.^{۶۳}
- اکنون خط تماس مستقیم نظامی بین دو کشور چین و ایالات متحده برقرار است و دست کم تاکنون پنج مرتبه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این خبر خوبی است و نشان از پیشرفت دارد. گرچه روشن نیست که در بحران بلافاصله مورد استفاده قرار خواهند گرفت یا نه. بنابراین، همان‌طور که پنج پژوهشگر مرکز امنیت نوین آمریکا^{۶۴} عنوان می‌کنند، دو طرف ممکن است بخواهند با استفاده از خط مستقیم، در طول دورانی سخت در روابطشان (حتی اگر بحرانی جدی در کار نباشد)، سعی در «آزمون تنش»^{۶۵} این خط داشته باشند.^{۶۶}
- معاملات نظامی بین دو کشور پر رونق هستند. گزارشی رسمی از تمامی انواع ارتباطات نظامی در سال ۲۰۱۵، بیست و شش دیدار بین مقامات دو کشور در این رابطه را فهرست می‌کند.^{۶۷}
- چین در تابستان سال ۲۰۱۶، مجدداً برای دومین مرتبه در رزمایش «حاشیه اقیانوس آرام»^{۶۸} شرکت کرد (اولین حضور این کشور در سال ۲۰۱۴ بود). چین لشکری نسبتاً بزرگ با محوریت پنج کشتی به تلاشی چند هفته‌ای فرستاد که شامل شبیه‌سازی‌های جستجو و نجات و دیگر فعالیت‌های مشترک بین بیش از بیست ارتش از جمله ارتش ایالات متحده بود.^{۶۹}

63. Jonas Parelló-Plesner and Mathieu Duchatel, *China's Strong Arm: Protecting Citizens and Assets Abroad* (London: International Institute for Strategic Studies, 2015), pp. 114-116.

64. the Center for a New American Security

65. Stress Test

66. Ratner, Colby, Erickson, Hosford, and Sullivan, *More Willing and Able*, p. 47.

67. Department of Defense, *Military and Security Developments Involving the People's Republic of China*, 2016, pp. 103-104.

۶۸. بزرگ‌ترین مانور دریایی که از سال ۱۹۷۱ هر ساله و از سال ۱۹۷۴ هر دو سال یک بار توسط نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس آرام برگزار می‌شود. (م)

69. Vago Muradian, "Interview: U.S. Navy's Admiral Jon Greenert," *Defense News*, August 31, 2015, available at <http://defnews.ly/1EvSqEY>.

● چین به تدریج در حال بهبود عملکرد خود در مسائل مربوط به عدم‌اشاعه تسلیحات کشتار جمعی بوده است. اخیراً با محدود ساختن خرید نفت خود از ایران، در اعمال تحریم‌ها بر این کشور همکاری کرده و به ایجاد شرایط منتهی به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) کمک کرد.

● در برخی حوزه‌های خاص و مشخص امنیت دریایی و به‌ویژه حوزه‌های مربوط به نیروهای دریای چین و ایالات متحده، پیشرفت‌های مختلفی وجود داشته است. در نوامبر سال ۲۰۱۴، دستورالعمل تقابل‌های برنامه‌ریزی نشده در دریا^{۷۰} تدوین شد (دستورالعمل درباره اطلاع در خصوص رزمایش‌های نظامی بزرگ هم بود). به گفته دریاسالار جاناتان گرینرت^{۷۱}، فرمانده پیشین عملیات‌های دریایی، در ماه‌های بعد از تدوین این دستورالعمل، از چهار برخورد نزدیک، سه مورد آن به نحوی حرف‌های و مطابق با دستورالعمل مورد توافق کنترل شد. این پیشرفت باید تقویت شود و دامنه آن به حوزه‌های گارد ساحلی و کشتی‌های ارتش آزادی‌بخش خلق چین (کل نیروی دریایی چین) و کشورهای دیگر هم گسترش یابد، این الگویی مطلوب است و نتایج اولیه آن دلگرم‌کننده هستند.^{۷۲} در سال ۲۰۱۵، این توافق به رویارویی‌های هوایی هم بسط داده شد.^{۷۳} هنوز شاهد برخوردهای گاه و بی‌گاه خطرناکی هستیم، اما به گفته ادمیرال هری هریس در مصاحبه آگوست سال ۲۰۱۶ با وال استریت ژورنال، معمولاً «افسران دون‌پایه نیروی هوایی» باعث این برخوردها هستند و «رهبری چین دستوری مبنی بر انجام عملی خطرناک در هوا را نمی‌دهد»^{۷۴} البته همه چیز هم بر وفق مراد نیست. از یک سو، ایالات متحده برخی از نقش‌های کلان‌تر نظامی بین‌المللی چین را مثبت تلقی می‌کند اما از جانب دیگر، جنبه‌های منفی نیز برای آن قائل است. چین در خارج از مرزهای خود تسلیحات زیادی می‌فروشد که گاهی این معاملات متوجه دولت‌های خطرناک است. مجموع این صادرات از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۴ بیش از دو برابر صادرات در دوره پنج سال پیش از آن بوده است. چین در پوشش مقابله با دزدی دریایی،

70. The Code for Unplanned Encounters at Sea

71. Jonathan Greenert

72. Vago Muradian, "Interview: U.S. Navy's Admiral Jon Greenert," Defense News, August 31, 2015, available at <http://defnews.ly/1EvSqEY>.

73. Department of Defense, Military and Security Developments Involving the People's Republic of China, 2016, pp. 124-132.

74. David Feith, "A Pacific Admiral Takes China's Measure," Wall Street Journal, August 7, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/a-pacific-admiral-takes-chinas-measure-1470436129>.

زیردریایی‌های خود را به اقیانوس هند می‌فرستد، اما به احتمال زیاد درصدد افزایش آشنایی خود با منطقه و با هدف شناسایی است.^{۷۵} همچنین بیش از گذشته به برگزاری رزمایش با ارتش‌های کشورهای دیگر می‌پردازد، ۳۱ رزمایش در سال ۲۰۱۴ در مقابل میانگین دهه گذشته قرار می‌گیرد که سالانه حدود ۷ رزمایش بود.^{۷۶} نقش‌های این چنین کلان‌تر لزوماً بد نیستند و به هر حال مستلزم آمادگی مناسب هستند. در هنگام ارزیابی پیشرفت در راستای برنامه کاری که من و استینبرگ در کتاب «اطمینان خاطر مجدد و اراده استراتژیک» بسط و گسترش داده‌ایم، این نقش‌ها نه حسن محسوب می‌شوند و نه عیب.

در بحث نظارت، هیچ بهبودی در نحوه تعامل این دو کشور در آنچه فرایندی عمدتاً رقابتی است، سراغ ندارم. در اینجا هدف حذف جنبه رقابتی نیست، بلکه مقصود کنترل و مدیریت آن‌ها است. تصور می‌شود که چین در فکر سیستم حس‌گرهای زیر آب^{۷۷} در دریای جنوبی چین باشد؛ این سیستم، تقلیدی از سیستم‌های قدیمی نظارتی آمریکا در دوران جنگ سرد است (که ناوگان دریایی شوروی را زیر نظر داشت)، و احتمالاً تصمیم چینی‌ها در این باره اجتناب‌ناپذیر است.^{۷۸} بعلاوه، به نظر می‌رسد که چین در حال به راه انداختن عملیات نظارت در جاهایی مانند استرالیا و جیبوتی است، اما کنی که نیروهای نظامی ایالات متحده حضور دارند، و به احتمال زیاد چینی‌ها مقاصد شناسایی را دنبال می‌کند. در نهایت، به نظر می‌رسد که چین در جیبوتی مشغول ساخت پایگاه دریایی باشد.^{۷۹}

75. Military and Security Developments Involving the People's Republic of China, 2016, p. 22; and Ely Ratner, Elbridge Colby, Andrew Erickson, Zachary Hosford, and Alexander Sullivan, *More Willing and Able: Charting China's International Security Activism* (Washington, D.C.: Center for a New American Security, 2015), p. 22.

76. Oriana Skylar Mastro, "The Vulnerability of Rising Powers: The Logic Behind China's Low Military Transparency," *Asian Security*, vol. 12, no. 2 (May-August 2016), p. 72.

77. system of underwater sensors

شبکه‌های حسگر بی‌سیم زیر آب گونه‌ای از شبکه‌های حسگر هستند که در محیط زیر آب قرار می‌گیرند و توسط امواج صوتی با یکدیگر ارتباط دارند. شبکه‌های حسگر بی‌سیم در زیر آب برای مقاصدی چون جمع‌آوری داده‌های کف آب، نظارت بر آلودگی آب‌ها، نظارت بر محیط ساحل، ناوبری و کاربردهای نظامی نظارت بر محیط به کار برده می‌شوند.

78. Richard D. Fisher, Jr., "China Proposes 'Underwater Great Wall,'" *Jane's Defence Weekly*, May 25, 2016, p. 6.

79. Jane Perlez, "U.S. Casts Wary Eye on Australian Port Leased by Chinese," *New York Times*, March 20, 2016, available at <http://nyti.ms/1R8Jx>; and Jeremy Page, "China Builds First Overseas Military Outpost," *Wall Street Journal*, August 20, 2016, available at <http://www.wsj.com/articles/china-builds-first-overseas-military-outpost-1471622690>.

علی‌رغم آنچه گفته شد، همکاری نظامی و اعتمادسازی آینده خوبی را نوید می‌دهد. هنگامی که اعصاب‌ها خرد شده و تنش‌ها هم در پکن و هم واشنگتن اغلب محسوس و ملموس می‌شود، لازم است که این نشانه‌های امیدبخش را کاملاً در ذهن داشت و تقویت کرد. از جمله نکات نهایی مرتبط با این موضوع، حتی اگر از موضوع کمی متمایز به نظر بیاید، حمایت آمریکا از اصلاحات سیاسی در چین است. واشنگتن حمایت از حقوق بشر، حقوق سیاسی، آزادی‌های مذهبی و کلاً آزادی بیشتر در جمهوری خلق چین و همچنین برخورد برابر و عادلانه در قبال منافع اقتصادی شرکت‌ها و افراد آمریکایی که در چین حضور دارند یا با این کشور تجارت می‌کنند را حق خود می‌داند. با این حال، این تمایلات ایالات متحده می‌تواند باعث ترس شی‌جین‌پینگ از این مسأله شود که ایالات متحده طرفدار آشوب و ناآرامی سیاسی در چین و شاید شکل آسیای شرقی انقلاب‌های رنگی است. برخی از نگرانی‌های چینی‌ها چاره‌ناپذیر و همیشگی هستند. از نقطه نظر آمریکایی‌ها اگر حد و حدود برخی از این خواسته‌ها حفظ شود، می‌تواند حتی مطلوب بوده و رهبران چین را به اصلاحات بیشتر سوق دهد؛ اما واشنگتن باید تأکید کند که درصدد حمایت از انقلاب یا آشوب در چین نیست و پیشرفت‌های چشمگیر چین در دهه‌های اخیر را ارج نهاده و تحسین می‌کند. چنین اظهاراتی مشکل را حل نخواهند کرد، اما می‌توانند به حصول این اطمینان خاطر کمک کنند که مشکل تشدید و از کنترل خارج نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

این مسأله امری تقریباً رایج شده، اگر نگویم به تصویری عمومی بدل شده، که رابطه ایالات متحده - چین در مسیر نامطلوبی قرار گرفته است. برخی در ایالات متحده باراک اوباما را سرزنش می‌کنند که در تعامل با چین قاطعیت لازم را از خود نشان نداده است؛ اکثر آمریکایی‌ها صرف نظر از اینکه منتقد اوباما باشند یا نه، همه تقصیرات را به گردن چین می‌اندازند. در مقابل، اکثر چینی‌ها احتمالاً در گرایش آمریکا به قاطعیت و جسارت و رفتار هژمونیک، تفاوت چندانی بین رؤسای جمهور اخیر این کشور نمی‌بینند و ممکن است حتی این به اصطلاح برقراری توازن دوباره را گواهی بر یک رویکرد جنگ طلبانه‌تر تصور کنند و آن را گاهی همان سیاست مهار تصور نمایند. با وجود همه تنش‌های اخیر بر سر سن کاکو/دیائو و دریای جنوبی چین - و مناقشات سایبری، مسائل شبه جزیره کره و دفاع موشکی - بسیاری کاملاً نگران دلوپس روندهای رابطه امنیتی دو کشور هستند.

تحلیل من از چشم اندازی متفاوت تر و تاحدی امیدوارکننده تر حکایت دارد. بی شک، نگرانی موجه و به حق است و در بسیاری از جبهه ها مستلزم همکاری است. اما با توجه به هنجارهای تاریخ در دوره های تغییر هژمونیک، تعاملات ایالات متحده و جمهوری خلق چین تا به امروز به نحو معقولی تحت کنترل و مهار شده، بوده است. علاوه بر این، گام ها و تلاش های مثبتی هم صورت گرفته اند. هنوز کارهای بسیاری باید انجام بگیرد و خطرات و دشواری های زیادی وجود دارند که باید از آنها پرهیز کرد و الگوهای رفتاری کنونی مستلزم بهبود و اصلاح هستند. اما نقاط مثبت بسیاری هم وجود دارند که باید تقویت شوند.